

نظریه سرمایه گذاری نئوکلاسیک، سرمایه گذاری را به عنوان تابعی از قیمت نسبی سرمایه مشخص می کند. در این نظریه که یورگنسون آن را مطرح کرده، سرمایه گذاری به طور مثبت با سطح تولید و به طور منفی با هزینه اجاره سرمایه مرتبط است (یورگنسون^۳، ۱۹۹۶).

بر اساس مدل های تئوریک اقتصاد کلان، سیاست های پولی و مالی می توانند از طریق افزایش یا کاهش نرخ بهره، سرمایه گذاری را متأثر کنند. در مدل های ساده IS LM افزایش سرمایه گذاری دولت یا افزایش مخارج دولت، به عنوان یک سیاست مالی انبساطی باعث افزایش نرخ بهره و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود. به عبارت دیگر سرمایه گذاری دولت از سرمایه گذاری خصوصی می کاهد و جایگزینی جبری به وقوع می پیوندد. سرمایه گذاری دولتی هم می تواند به عنوان یک مکمل و مشوق سرمایه گذاری بخش خصوصی به شمار آید و هم می تواند به عنوان یک جانشین موجب کاهش سرمایه گذاری از جانب بخش خصوصی گردد. اگر دولت به عنوان سرمایه گذار برای رقابت با بخش خصوصی وارد شود، به عنوان جایگزینی قدرتمند برای بخش خصوصی عمل خواهد نمود (اثر تخلیه ای یا جانشینی جبری^۴). اما اگر سرمایه گذاری بخش دولتی در حیطه کالاهای عمومی مانند احداث فرودگاه ها، بزرگراه ها، بنادر، راه ها و غیره صورت گیرد، به عنوان بخش مکمل برای سرمایه گذاری خصوصی عمل خواهد نمود (برانسون، ۱۳۷۸).

اعتبارات و تسهیلات بانکی در قالب نظریه های سیاست پولی اقتصاد کلان بر سرمایه گذاری خصوصی اثر می گذارند. برای این منظور از طریق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه های سرمایه گذاری مانند تغییر در نرخ ذخیره قانونی و نرخ تنزیل مجدد، سرمایه گذاری افزایش می یابد (همان منبع).

یکی از اشتباهات رایج در ایران تلقی اعطای امتیازات و تسهیلات به سرمایه گذاران به جای تضمین قراردادها در چارچوب ایجاد امنیت سرمایه گذاری است. این مسأله نه تنها به سرمایه گذاری کمک نکرده بلکه باعث ایجاد فساد و خارج شدن سرمایه گذاری از مسیر اصلی شده است. یعنی کسانی وارد میدان سرمایه گذاری شده اند که سرمایه گذار نبوده و صرفاً با بهره گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوء

³ Jorgenson

⁴ Crowding Out Effects